

فرصت های همکاری ایران و چین در حوزه سیاست و اقتصاد

با توجه به استراتژی نوین خاور دور آمریکا و تنش های فراینده پکن با واشنگتن، چینی ها مایل به همکاری های راهبردی بیشتر با ایران هستند.

روابط ایران و چین به سده ها پیش برمیگردد. دو کشور ریشه تاریخی و تمدنی ژرفی دارند. آغاز تاریخ روابط ایران و چین به نخستین تماس میان دو دولت به سال 140 یا 141 پیش از میلاد یا زمان خاندان هان در چین و اشکانیان در ایران بر می گردد. در سال 115 پیش از میلاد، وو دی، امپراتور چین، سفیری را به دربار مهرداد دوم، پادشاه اشکانی، فرستاد سپس دو طرف سفیرانی را میان یکدیگر ردو بدل نمودند. در واقع چین از سه هزار سال پیش از راه جاده ابریشم با ایران باستان رابطه تنگاتنگی برقرار کرد.

مسیر بازرگانی این کالای ارزشمند، یعنی ابریشم، از چین به اروپا، از ایران می گذشت و راه ابریشم نام گرفت. در واقع اگرچه بعد مسافت بین دو سرزمین ایران و چین تا بدانجا بوده که بیشتر مرزهای این دو سرزمین در کنار یکدیگر قرار نگرفته و قلمروهای گوناگونی این دو بخش متمدن جهان باستان را از یکدیگر جدا می کرده، لیکن سپهر فرهنگی جهان ایرانی همواره در تماس با فرهنگ چینی بود و از آن تاثیر گرفته و بر آن اثر گذاشته است.

در دوره اسلامی نیز روابط دو تمدن ادامه یافت. به عنوان نمونه در دوره ی دودمان تانگ و فرمانروایی سلاطین سونگ در چین، ایرانیان به سرزمین چین رفته و باز می گشتند و در واقع تجار ایرانی میانجی تجارت شرق به غرب جهان بودند. دو ملت متمدن ایران و چین در آغاز سده هفتم، دشمن مشترکی به نام قوم مغول داشتند که بر ایران و چین استیلا یافت. اما در همین دوران نیز زبان فارسی در چین رواج یافت و گروهی از چینی ها با زبان فارسی آشنایی یافتند و روابط متقابل علمی و فرهنگی بین دو کشور گسترش یافت. در زمان تیموریان نیز روابط دو کشور گسترش بیشتری یافت و این وضعیت در عصر صفویه و بعد نیز کمابیش ادامه داشت.

در سده اخیر و بعد از تشکیل چین کمونیست، کودتای 28 مرداد 1332 (که منجر به سقوط دکتر مصدق شد) توسط چین محکوم و پیوستن ایران به پیمان های دفاعی مختلف مورد انتقاد دولت چین قرار گرفت. با این حال نخستین هیئت سیاسی چین به سرپرستی وزیر امور خارجه این کشور در سال 1351 از ایران دیدار کرد. دومین مسافرت هیئت بلند پایه چینی در ابتدای سال 1354 رخ داد و سومین سفر مقامات چینی بعد از مائو، سفر وزیر امور خارجه آن کشور به ایران در شهریور 1357 بود. دور دیگری از روابط دو کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سال 1361 آغاز شد و حجم روابط گسترش یافت. در یک دهه اخیر نیز روابط دو کشور با دیدار رسمی مقامات از کشور دیگر، نقش مهمی در توسعه روابط داشت. چنانچه در یک سال اخیر جدا از سفر رئیس جمهور ایران به چین، شاهد دیدارهایی چون رئیس مجلس های دو کشور از کشور دیگر و دیدارهای روسای جمهور بوده ایم.

فرصت های همکاری اقتصادی

حجم اقتصاد چین بالغ بر 3/2 تریلیون دلار است و پیش بینی می شود تا سال 2020، نیمی از رشد تولید ناخالص داخلی در سطح جهان متعلق به کشورهای عضو گروه «بریکس» (برزیل، روسیه، هند و چین) باشد که چین از

مطرح ترین کشورهای عضو آن به شمار می‌رود. گذشته از این، روابط تجاری ایران و چین به اواخر سده دوم پیش از میلاد و دوران اشکانی می‌رسد و مهمترین کالایی که بین دو سو مبادله می‌گردید، ابریشم بود. این کالا طرفداران فراوانی در روم داشت. در سالهای گذشته نیز چین یکی از قابل اعتمادترین شرکای تجاری ایران از زمان تحریم های آمریکا در سال 2010 محسوب می شود و ایران با حفظ روابط مستحکم با پکن، قادر به دور زدن تحریم های غرب و جلوگیری از کاهش ارزش واحد پولی خود شده است.

**هر چه چین به سوی تنش
استراتژیک بیشتر با آمریکا
حرکت کند، در روابط با
کشورهایی که با آمریکا دچار
مشکل راهبردی هستند،
سرمایه گذاری بیشتری انجام
خواهد داد و در این راستا ایران
از گزینه های نخست این
راهبرد است.**

طرح ایجاد یک پیمان پولی دو یا چند جانبه: هم اکنون حدود 50 پیمان دوجانبه پولی میان کشورهای جهان منعقد شده است که بیش از نیمی از آن ها میان یوان چین با سایر ارزهای جهان است. پیمان های دوجانبه پولی هم ابزار مناسبی برای حذف دلار از روابط بانکی و معاملات پولی میان کشورها است و هم از سلطه دلار و تحریم های بانک مرکزی آمریکا بر ارتباطات میان کشورها می کاهد.

در شرایط کنونی، ایجاد یک پیمان پولی دوجانبه یا حتی سه جانبه میان ایران، روسیه و چین، بی تردید به پیشبرد راهبرد اقتصادی این دو کشور در رقابت با آمریکا و غرب کمک گسترده ای خواهد کرد همچنان که به عنوان برگ برنده ای

در رفع تحریم های غرب علیه ایران نیز خواهد بود. در این شرایط با توجه به وضعیت کنونی روابط چین و ایران، دو کشور چه به گونه دو جانبه و چه با مشارکت روسیه می توانند یک پیمان پولی را ایجاد و از آن به عنوان برگ برنده ای در رفع تحریم ها بهره برند.

نقش ترانزیتی ایران: از گذشته ایران بیشتر از اینکه مشتری مصرف کننده ابریشم باشد، به عنوان واسطه دو سوی غرب و شرق ایفای نقش می کرد. در شرایط کنونی نیز با توجه به تحریم روسیه توسط آمریکا و غرب و رویکردهایی چون قطع واردات میوه و محصولات غذایی از اروپا از جانب مسکو، جدا از نقش میانجی ایران در بین کشور های منطقه، با فراهم تر شدن زمینه همکاری و صادرات به روسیه، ایران می تواند به عنوان میانجی خوبی بین چین و مناطق جنوبی روسیه عمل کند.

همکاری های انرژی: ایران دومین دارنده ذخایر نفت و گاز در دنیا و سومین تامین کننده نفت خام چین است. پکن از گذشته به نفت ایران در جهت تامین سوخت داخلی نیازمند بوده و تهران به بازار انرژی چین. در این بین باید توجه داشت که چین از دهه 1990 به جمع واردکنندگان مهم انرژی پیوسته و اکنون به بزرگ ترین مصرف کننده انرژی در دنیا تبدیل شده و برای رشد آینده خود، به انرژی نفت و گاز پایدار نیازمند است.

در این بین، چون ایران دارای جایگاه ویژه ای در بازار انرژی در دنیا و در منطقه خلیج فارس است، چین به دنبال این است که ایران به عنوان منبعی برای نیازهای روبه رشد انرژی مطرح باشد. گذشته از این، هم چین و هم ایران در راستای تنوع سازی بازارهای صادراتی و وارداتی انرژی خود و جلوگیری از وابستگی به چند کشور ویژه، کوشش می کنند تا روابط انرژی، گازی و نفتی خود را با طرف دیگر ادامه دهند.

یعنی چین مایل نیست که وابستگی تامی به نفت کشورهای عربی داشته باشد. چنانچه کوشش و اصرار چین در حفظ خرید نفت از ایران، بعد از تحریم های چند سال گذشته غرب، آشکار بود. در این شرایط تحریم ها بر ضد ایران نیز هرگز نقش بازدارنده ای در برابر تعامل پکن با تهران در حوزه ی انرژی ایفا نکرد.

یعنی باوجود تحریم ها، پکن نفت ایران را خریداری می کرد. در شرایط کنونی نیز پکن 630 هزار بشکه نفت در روز، در نیمه ی نخست سال 2014، از ایران وارد کرده که نسبت به سال گذشته، 48 درصد افزایش داشت. در بعد دیگری، یکی از اهداف دولت ایران، افزایش ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ایران به 100 میلیون تن و افزایش ارزش تولید محصولات به 40 میلیارد دلار در سال و جهش توسعه صنعت پتروشیمی است. در این شرایط و با وجود تحریم ها، چینی ها می توانند بیش از 12 طرح جدید صنعت پتروشیمی را با استفاده از فاینانس، توسعه دهند.

سرمایه گذاری های گوناگون: چین در واقع از جمله کشورهایی بوده که بعد از افزایش تحریمهای بینالمللی علیه ایران، کوشش کرده با شیوههای گوناگونی روابط اقتصادی و تجاری خود را با تهران حفظ، و تحریم های یک جانبه ی ایجاد شده توسط دیگر کشورها را به رسمیت نشناسد. چنانچه با وجود تحریم ها، روابط ادامه داشته است. در شرایط کنونی حجم روابط دو کشور بیش از 30 میلیارد دلار و روابط ایران و چین عموماً رو به گسترش بوده است. چین و ایران قصد دارند در ده سال آینده تبادلات تجاری خود را افزایش و تا سال 2024 به دویست میلیارد دلار برسانند.

در این حال باید توجه داشت که چینی ها در تمامی زمینه ها از جمله انرژی، عمرانی و . . . مایل به سرمایه گذاری در ایران می باشند. در این بین بخشی از فرصت های اقتصادی و همکاری دیگر دو کشور را می توان جستجوی راه های صدور گاز طبیعی مایع به چین، ساخت نفت کش های بزرگ، توسعه و اکتشاف حوزه های نفتی، بهینه کردن پالایشگاه ها و مجتمع های پتروشیمی، افزایش صادرات نفت ایران به چین، همکاری های معدنی و فلزی، حمایت متقابل از سرمایه گذاری بین دو دولت، همکاری های جهانگردی و گسترش جهانگردی میان دو کشور و احیای جاده ابریشم و (طرح کمربند اقتصادی جاده ابریشم اولویت جدید حزب کمونیست است)..... دانست.

فرصت های همکاری سیاسی و ژئوپلیتیک

**چین مایل نیست که وابستگی
تامی به نفت کشورهای عربی
داشته باشد. چنانچه کوشش
و اصرار چین در حفظ خرید
نفت از ایران، بعد از تحریم
های چند سال گذشته غرب،
آشکار بود. در این شرایط
تحریم ها بر ضد ایران نیز هرگز
نقش بازدارنده ای در برابر
تعامل پکن با تهران در حوزه ی
انرژی ایفا نکرد.**

اگر نگاهی به گذشته همگرایی های سیاسی دو کشور داشته باشیم، باید این امر را به پیش از اسلام و دوران دومان های اشکانی و ساسانی برگرداند. در این دوران تنش های سیاسی بین دو کشور نه تنها وجود نداشته است، بلکه گاه روابط گرمی نیز، با وجود دوری مسافت، وجود داشته است.

در یک سده اخیر و بعد از پیروزی کمونیست ها در چین نیز، ایران و چین در بعضی از مسائل دارای مواضع مشترک بودند. چنانچه در حوادث سال 1972 شبه قاره هند و اختلاف میان بخش های شرقی و غربی پاکستان (که منجر به جنگ داخلی در آن کشور گردید)، هر دو کشور نگران حفظ امنیت و تمامیت ارضی پاکستان بودند. بعد از آن نیز دو کشور خواهان جلوگیری از نفوذ شوروی در افغانستان بودند. بعد از انقلاب اسلامی یکی از انگیزه های ایران در گسترش روابط با چین به عنوان کشوری مستقل، غیر متعهد و آسیایی، شعار نه غربی نه شرقی و رویکرد سیاست خارجی چین بود.

در سالهای اخیر و در چند سال گذشته هر چند به دلیل تحریم های وارد شده به ایران و دخالت متغیرها و بازیگران ثالث و کشورهایی مانند آمریکا، روابط دو کشور در سطوحی کاهش یافته، اما در همین حین نیز، نشانه هایی از کوشش دو کشور در حفظ و گسترش روابط، با وجود چالش ها، وجود داشته است. وضعیت کنونی شرایط بین المللی تا حدودی زمینه های همکاری گسترده تر ایران و چین را فراهم تر می کند. به گونه ای که اخیرا مقامات چین برای اولین بار اعلام کرده اند می خواهند با ایران روابط بلندمدت راهبردی و استراتژیک داشته باشند. در این شرایط باید توجه داشت که شکل گیری روابط سیاسی و ژئوپلیتیک تحت تاثیر چند متغیر است

بسترهای مثبت در نگاه دو سویه ایران و چین: از نگاه ایران، چین نه تنها گذشته استعمارگری نداشته، بلکه روابطش را با دیگر کشورها براساس اصول همزیستی مسالمت آمیز توسعه می داد. از نگاه پکن هم، ایران دارای امتیازاتی چون موقعیت جغرافیایی، جایگاه مناسب در منطقه و جهان اسلام، و منابع انرژی فراوان و پایدار است. در شرایط کنونی چین خواستار حل و فصل موضوع هسته ای ایران از راه گفتگو با محوریت آژانس انرژی هسته ای و به دور از هرگونه تشنج بوده و پکن کوشیده است تا تحریم های یک جانبه و غیر قانونی بر ضد ایران را دور بزند.

همکاری دفاعی، امنیتی و نظامی: اکنون نیز بسترهای مناسبی جهت همکاری های امنیتی و نظامی برای دو کشور فراهم است. برخورداری دو کشور از دانش دفاعی و نظامی و توجه بنیادین دو کشور به این حوزه و همچنین برخورداری از دانش فضایی و.. می تواند زمینه های همکاری را برای دو کشور فراهم کند. باید توجه داشت که با توجه به تحریم های غرب، چین می تواند در تامین قطعات یدکی و تجهیز سلاح و بازسازی آنها به ایران کمک کند.

در این میان، از یک سو منافع امنیت ملی چین در جهت تضمین محیط منطقه ای امن و با ثبات، فعال بودن در زمینه های همکاری اقتصادی، بازسازی و رشد اجتماعی در کشورهای منطقه، جلوگیری از رشد گروه های رادیکال در برابر چین و گسترش همکاری های منطقه ای و... است، که در عمل مخالف و تضادی با منافع امنیتی تهران ندارد.

همچنین با توجه به هراس پکن از بنیاد گرایی و حضور جمعیت مسلمانان اویغور تاجیک و... در استان سین کیانگ یا ترکستان شرقی چین، عملاً ایران رویکردی مخالف با سلفی گری و تندروی داشته و به حفظ امنیت ملی چین نگریده و این نگاه مورد توجه و تحسین چین بوده است. یعنی ایران توانسته در کنار توجه به حساسیت های چین در مناطق مسلمان نشین، مطابق با واقعیت های نظام بین الملل، به توسعه روابط با چین بپردازد. بنابراین امروزه چینی ها نگرانی امنیتی داخلی از سوی ایران ندارند.

همکاری های منطقه ای: چین به عنوان قدرتی منطقه ای، منافع استراتژیکی و قانونی در ثبات و امنیت منطقه و افغانستان دارد. دو بازیگر اکنون نگران آینده افغانستان و نوع نفوذ عربستان و آمریکا در آن بوده و تلاش کرده اند نقش مهمی در بازسازی و توسعه افغانستان داشته باشند.

در حوزه آسیای مرکزی نیز منافع مشترک فراوانی وجود دارد. گسترش بنادر ایران و آسان تر شدن دسترسی به آسیای مرکزی می تواند دستیابی پکن به آسیای مرکزی، روسیه و غرب حوزه کاسپین را تسریع کند، لذا همکاری ایران با چین یکی از بهترین فرمول های حضور و نفوذ همه جانبه چین در کشورهای فارسی زبان نیز هست و چین می تواند با کمک ایران، به ارتباط بیشتر با آسیای مرکزی و قفقاز بپردازد.

در شرایط کنونی، ایجاد یک پیمان پولی دوجانبه با حتی سه جانبه میان ایران، روسیه و چین، بی تردید به پیشبرد راهبرد اقتصادی این دو کشور در رقابت با آمریکا و غرب کمک گسترده ای خواهد کرد.

چین رابطه با ایران را عاملی برای اعمال فشار بر ترکیه و آمریکا در منطقه نیز می داند. از نگاه چین، رابطه با ایران به چین امکان می دهد تا از کوشش آمریکا در جلوگیری از ایفای نقش چین در افغانستان و حتی آسیای مرکزی بکاهد. در بعدی دیگر، با توجه به دیدگاه های مشترک و همسو و مخالفت با گسترش سلاح های کشتار جمعی، تحقق صلح عادلانه در منطقه خاورمیانه و عاری بودن این منطقه از سلاح های هسته ای، حفظ ثبات و امنیت خلیج فارس و نفی هر گونه حضور نیروهای بیگانه در این منطقه، چین و ایران میتوانند همکاری های مشترکی در این زمینه داشته باشند.

همکاری های راهبردی: اگر به اهمیت چین در سیاست خارجی آینده ایران توجه کنیم، چین با جمعیتی بیش از یک میلیارد، گستردگی سرزمینی و عضویت در باشگاه هسته ای، دارای توانایی بالایی در تاثیر گذاری منطقه ای و حتی جهانی است. همچنین این کشور مولفه های اصلی قدرت یعنی گستردگی، جمعیت و توان نظامی را داراست. در این میان چین با عضویت در غیر متعهد ها و گروه بریکس، می تواند به ایران در همکاری برای سوق دادن جهان تک قطبی به چند قطبی کمک کند. در شرایط نوین، افزایش قدرت منطقه ای چین در جهت منافع ایران است و تهران می تواند از حضور چین در مجامع بین المللی در جهت منافع خود استفاده و اثرات منفی فشارهای غرب را بر ضد خود بکاهد. در سطحی دیگر، حضور و قدرت گیری چین در بحران هایی همچون سوریه می تواند با منافع ایران سازگار باشد.

در شرایط کنونی نیز مخالفت هر دو کشور با برتری جویی و نظم نوین جهانی مورد نظر آمریکا، می تواند اهمی مهم در نزدیک کردن هر چه بیشتر دو کشور به یکدیگر شود. در این بین ادامه رقابت روسیه و غرب و طولانی شدن ناآرامی ها در اوکراین و گسترش ناتو تا دروازه های این کشور و جدال یوان در برابر دلار می تواند بستری مناسب برای گسترش روابط باشد. در چنین شرایطی توسعه روابط دیپلماتیک میان کشورهای ایران، چین و روسیه می تواند

به گسترش روابط کمک کند و چه بسا راه ورود ایران به پیمان شانگهای را فراهم تر و دورنمای عضویت ایران در مجموعه بریکس را آسان تر کند.

آینده روابط:

هر چه چین به سوی تنش استراتژیک بیشتر با آمریکا حرکت کند و روابط پکن واشنگتن به سوی روابط دوران شوروی سابق با آمریکا سوق یابد، چین در روابط با کشورهای که با آمریکا دچار مشکل راهبردی هستند، سرمایه گذاری بیشتری انجام خواهد داد و در این راستا ایران از گزینه های نخست این راهبرد است.

اکنون با توجه به استراتژی نوین خاور دور آمریکا و تنش های فراینده پکن با واشنگتن، چینی ها مایل به همکاری های راهبردی بیشتر با ایران هستند. باید توجه داشت هر چند چین با توجه به بسیاری از واقعیت های ژئوپلتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و ژئواستراتژیک، در اندیشه روابط تثبیت شده ای با ایران می باشد، اما آینده سیاست خارجی چین در راستای تلاشی گسترده در پیگیری منافع ملی بر اساس اصول عملگرایی در سیاست خارجی است. در واقع چین با توجه به منافع ملی و استراتژیک خود در منطقه، با نگاهی میان مدت و بلند مدت، روابط خود با ایران را سازمان می دهد.

فرزاد رمضانی بونش

کارشناس و پژوهشگر مسائل بین الملل